



# رسالت مطبوعات

آثار

نوشته‌ای که در اینجا می‌آید از جلسه آثار سید جمال‌الدین امدآبادی، مصعب بزرگ است که در آن به رسالت مطبوعات و نیازی که به مطبوعات است می‌پردازد.

از آنجا که ما نیز در آغاز راه هستیم و این نوشته می‌تواند روشنگر و راه‌گشا باشد، و از سوی دیگر نشان دهنده افکار و نگرش آن رادمرد اندیشمند است، بر آن شدیم، تا این نوشته را ارائه بدهیم. اصل مقاله یادشده «برگزیده آثار سید جمال‌الدین» در کابل به چاپ رسیده است. چندی بعد این اثر توسط یکی از نشریات تجدید چاپ شد.



چرا و چگونه به مطبوعات، نیازمندیم؟

اگر کسی متون تاریخی را به نظر-اعتبار، مطالعه کند و در مضامین آنها به دیده بصیرت، غور نماید، بی‌شبهه بر او ظاهر و روشن خواهد شد که ثروت و امنیت و راحت و علو کلمه و عزت و شأن و شهرت هر امتی از امت، در آن زمانی بوده که افراد آن امت، «متخلق به اخلاق فاضله» و «متصف به سجایای پسندیده» بوده‌اند و هر طبقه‌ای از آن قوم را بهره‌ای وافر بوده است از بصیرت و بینائی.

و فقر و فاقه، ذل و مسکنت، ضعف و گمنامی و پریشان حالی و حقارت در آن وقتی بوده است که جهل و نایبایی، عموم اشخاص آن را فرا گرفته و صنف صنف آن گروه، به «فساد اخلاق» و «تابی افکار» مبتلا گردیده‌اند.



و بر اساس این سیر تحلیلی، هر کس می‌تواند حکم کند که: «سعادت» اُمم، نتیجه بینائی و اخلاق پاکیزه، و «شقاوت» آنها در اثر سجایای ناستوده می‌باشد.

چون این مقدمه روشن شد، باید دانست که: «اخلاق نفسانی» و «ملکات عقلی»، دائماً در معرض خطر «ازدیاده» و «قصان» و «عروج» و «هبوط» و «اروج» و «حضیض» قرار داشته و حتی اگر ملتی، غفلت ورزیده و اندک زمانی قلیل، از مراقبت و محافظت اخلاق نفسانی و قوای عقلی، چشم پوشد و در تعدیل و تقویم، و ادامه و تیبیت آنها تساهل نماید، آن اخلاق و قوا، اگر چه به درجه عالی رسیده باشد، رفته رفته روی به اضمحلال گذاره و به کلی نابود خواهد شد و آن امت، نه تنها از سعادت و رفاهیت محروم خواهد شد، بلکه در اندک زمانی از دائرة انسانیت بیرون شده به حیوانات وحشی ملحق خواهد شد.

اینجاست که بدین حقیقت پی می‌بریم که هر امتی را بایستی به منظور «صیانت اخلاقی» و «حفاظت ملکات انسانی» و «راهنمایی به سوی سعادت»، همیشه بیدار گری از غفلت و پاسدارنده‌ای از سقوط و شاقی به سوی فضائل و قائدی به جانب کمالات و مانعی از زوال و آمیزی به معروف و ناهنجاری از منکر باشد.

و چون به میزان عقل و با دیده ژرف‌بین بصیرت بسنجیم، هیچ چیزی را در این زمان نمی‌بینیم که متصف به تمامی این اوصاف و دارای همگی این مزایا بوده باشد مگر «مطبوعات» و «روزنامه‌ها».

حدود مسئولیت‌ها و وظایف مطبوعات:

۱. مسابقه در نشر فضیلت آریاب فضائل، به

## ○ عالم عارف، حاجات و ضروریات خویش را از جاهل غافل بیشتر دانسته و در دریافت آنها، زیاده سعی مبذول می‌دارد.

دو منظور: ستایش صاحب فضیلت، و تشویق و تحریک دیگران به اکتساب فضائل.

۲. مبادرت به ذکر زناشلی که زبان آن گریبانگیر فرد و جامعه می‌گردد، به جهت ارشاد صاحب رذیله و جلوگیری از ارتکاب به مثل آن در جامعه.

۳. شرح و بسط منافع اخلاق جمیله با طرح دلائل و براهین و اضع و قاطع و بیان زبانها و عیوب صفا زشت و ناپسند، به نهجیکه عوام از آن فائده گیرد و خواص نیز بی‌بهره نماند.

۴. بیان فوائد علوم از برای عموم، تا همگان را یقین حاصل شود که: سعادت و رفاه و عزت هر جامعه‌ای به اکتساب علوم و معارف حقه است نه به غیر آنها، و نیز تشریح خسارت‌ها و زیان‌های ناشی از جهل به طوری که هر جاهلی اعتراف کند که هر مصیبت و گزندگی که به دو می‌رسد از شامت جهل و بی‌خبری می‌باشد.

۵. تعیین درجات برتری نسبی علوم بر اساس مقدار منافعی که دارند، و روشن ساختن میزان لزوم هر یک از علوم، تا مبادا نادانی عمر گران بهای خویش را، بر سر تحصیل فائده‌های اندک و ناچیز از دست بدهد و از فوائد بزرگی که از اشتغال به علوم دیگر حاصل می‌شد، بی‌بهره بماند.

۶. اثبات ضرورت فرا گرفتن صنایع و اقامه براهین قاطع بر اینکه: حصول رفاه و «سعادت مادی» بدون ترقی در امور فنی و صنعتی ممکن و مقدور نیست.

۷. تشریح دانستیهای اولیه‌ای که مورد احتیاج عموم مردم است. از قبیل دانستیهای اولیه جغرافیا، علوم طبیعی، هئیت و نجوم، هواشناسی، طب، خانه‌داری، بهداشت زیست، تربیت اولاد، لوازم و زراعت و مقتضیات حرفه‌های گوناگون، البته با بیانی ساده که عموم مردم از آن بهره‌ور شوند.

۸. شرح «فضائل انسانی» و «مرزبندی‌های اخلاقی» و تبلیغ و دعوت زورمندان و زراندوزان جامعه به احراز فضیلت انسانیت و تشویق آنان به ایجاد مدارس عمومی و بیمارستانها به منظور

گسترش علوم و معارف و صنایع بهداشت عمومی  
۹- با بیانی شیرین، شرح امتیازات اخلاقی  
نسل‌های پیشین برای بازماندگان آنان، به منظور  
برانگیختن همت‌های راكد و حیات بخشیدن به  
روانهای افسرده.

۱۰- اختصاص ستونهای نیز در مجله به شرح  
احوال نیکان و مفاخر امت‌های گذشته؛ تا  
صاحبان سیاست، نصیب خویش را از آن بردارند  
و خداوندان تجارت خط و بهره خود را بگیرند و  
اریاب علوم، فوائد علمی را اکتساب کنند و افراد  
امت در آئینه احوال آنان، خود را به دقت، نظاره  
نموده، چنانچه از اهل سعادتند، با درك علل و  
اسباب آن خود را برانگیخته و عرق حمیت و  
غیرت خویش را حرکت دهند و درصدد تحصیل  
آن برآیند و اگر از اهل شقا می‌باشند، عبرت گرفته  
و از عوامل و اسباب آن اجتناب نمایند.

۱۱- هیئت حاکمه و دستگاههای اجرائی را به  
عدالت اجتماعی دعوت و فوائد آن را بیان نماید،  
و به وکالت از طرف عموم طبقات مأمورین  
رشوه‌خوار را دفع کند. و نیز حوادث و مشکلات  
آینده کشور را پیش بینی نموده و ارباب حل و عقد  
را از آن، آگاه کند تا قبل از حدوث، در دفع  
مشکلات احتمالی محفوظ بمانند.

۱۲- چنانچه از بیگانگان، نسبت ناروایی به ملت  
داده شود، با بیان استدلالی قاطع که در نظرگاه  
خردمندان از شمشر برنده‌تر باشد. از حیثیت و  
شرافت ملی دفاع نماید.

۱۳- سپرده‌ها، فرآورده‌ها و دائع فکری هر  
پک از اندیشمندان را در دسترس سایر محققین  
قرار داده و موجبات آشنائی علما را با یکدیگر  
فراهم آورد.

۱۴- گهگاه نیز حکایات لطیفه و نکات  
آموزنده و اشعاری بلیغ و رسا، برای شکفتگی و  
ترویج اذهان به خوانندگان خود عرضه کند.

۱۵- با جمع‌آوری اعضاء متفرقه و گروههای  
پراکنده جامعه، پیکر متلاشی امت را حیاتی تازه  
بخشد.

۱۶- (با آوردن عکسهائی از مناظر شگفت  
طبیعی و آثار باستانی در جهان) خوانندگان خود  
را نشسته، به سیر و سیاحت عالم، دلشاد کند.

۱۷- صفحاتی را نیز به نیازمندیهای عمومی  
اختصاص داده و آدرس بیمارستانها، مطب‌ها،  
جلسات وعظ و ارشاد و سخنرانی و سینارهای  
تدقیقی دانشمندان و سازمان‌های کارگشائی و  
بخش‌های دولتی و خصوصی نیازمند به کارگر را،  
در اختیار بیمارزان و دانش‌پژوهان و بیکاران و

## ○ هشیار ساختن جامعه

از همه پایگاههای نشر و ارشاد

به راههای سعادت،

از جمله وظائف جرائد است.

مستندان قرار دهد.

۱۸- همه چهره‌های متفور و مزوری را که در پس  
پرده دوستی و خیرخواهی، منافقانه توطئه  
می‌کنند، رسوا ساخته و ماسک فریب و سالوسی  
را که بر چهره کریه خویش کشیده‌اند، بدریده و  
دوستان حقیقی را به جامعه معرفی نماید.

۱۹- هشیار ساختن جامعه از همه پایگاههای  
«شرف» و «شفاق»ی که کمینگاهی برای انجام  
توطئه‌های شوم دشمنان آشکار و پنهان می‌باشد و  
ارشاد به شاهراههای سعادت و (بالاخره اینکه)  
بیان واقعبینانه موجود جامعه، آورده به  
هیچگونه سانسور مسخ و تحریفی نباشد و به تعبیر  
خود سید:

«از برای «حلب منفعت» و «دفع مضرت»،  
حقایق اشیاء را چنانچه در واقع است جلوه داده و  
آشکاره نماید و در هر جا و هر چیزیکه منفعتی از  
برای جامعه مشاهده نمود، فی الفور و بدون از  
دست دادن فرصت، آن را اعلان نماید.

و بالجمله: «موم انسانی و مطالعات فکری»  
«جریده انسان خواهان «سعادت» را «دوربینی»  
است جهان‌نما و «آفرینش است حقیقت پیرا» و  
«راهبری است نیک فرجام» و «صدیقی است  
سعادت انجام» و «طیبی است شفیق» و «ناصری  
است مستواضع» و «مژدبی است خاضع» و  
«دیدهبانی است بیدار» و «حارس است هشیار».  
«روح بسخس است دل‌های مسرده راه» و  
«برانگیخته است افکار افسرده راه» در وحدت،  
جلس است و در وحشت، ایس. عالما تراست

سرمایه و عارفان راست پیرایه. تاجران را راهنا و  
راهبر و حاکمان را مشیر معدلت گستر. زارعان را  
قانون فلاح است و صانعان را اسناد صناعت.  
جوانان را دبستان و عوام راست ادبستان، ارباب  
بصیرت راست نوردیده و خداوندان سیاست را  
دستوری است پسندیده. مدنیت را حصنی است  
حصین و سعادت انسانی را حبلی است متین. و  
شرف و منزلت و رفعت جریده و سطح تیراز آن  
بستگی به سطح ترقی جوامع در علوم و معارف و  
عروج آنان به مدارج مدنیت دارد، زیرا که عالم  
عارف، حاجات و ضروریات خویش را از جاهل  
غافل بیشتر دانسته و در دریافت آنها، زیاده سعی  
میدول می‌دارد.

ولکن به شرط آنکه صاحب جریده «بنده  
حق» بوده باشد نه عبد دینار و درهم.  
زیرا که اگر بنده درهم و دینار باشد، حق را  
باطل و خائن را امین و امین را خائن و صادق را  
کاذب و کاذب را صادق و دشمن را صدیق و  
صدیق را دشمن، نزدیک را دور و دور را  
نزدیک، ضعیف را قوی و قوی را ضعیف و  
منفعت را زیان و زیان را منفعت و نیکو را قبیح و  
قبیح را حسن و موهوم غیر حقیقی را موجود  
حقیقی وامی‌نماید. و البته عدم اینگونه جراید، از  
وجودشان بی‌اندازه بهتر است.

...این است مجمل آنچه می‌خواستیم در  
فضیلت جرائد بیان کنیم. والسلام.

(اصل این مقاله را در کتاب «گزیده آثار سید  
جمال‌الدین افغانی» دکتر سید مخدوم رهین / کابل  
۱۳۵۵ ش. مطالعه فرمائید.)



اطلاعات

شماره ۱۶

تلفن: ۵۰۰۰

سال: ۱۳۵۵

نامه ۳۳

جمهوری اسلامی

ارسالت